کوتاه‌تر از گزارش

موادمخدر ۵۰ درصد گران شد

مریم خباز

جامعه

آمریکایی‌ها افتاده‌اند دنبال تجارت سیاه شیشه، ایستاده‌اند پشت لابراتوارهای تولید کریستال و کمک کرده‌اند افغانستان قد بکشد و بشود قطب تولید شیشه جهان. الان دو سال بیشتر است که آمریکایی‌ها و همدستانشان به رشد فزاینده شیشه، بیخ گوش ایران کمک کرده و قیمت جهانی شیشه را شکسته‌اند. لابراتورهای تولید شیشه دیگر درایران کم پیدا می‌شود اما شیشه‌های افغانستان که تولیدش چهاربرابر قبل شده به داخل نفوذ می‌کند و روی قیمت شیشه اثر می‌گذارد. انواع موادمخدر در این دو سال گران شده به‌جز شیشه که قیمتش نزولی است، شیشه ارزان شده، آن هم فقط به خاطر دست‌های آمریکایی و اروپایی که پشت تولید در افغانستان‌است.

اسکندر مومنی، دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر نشسته است پشت میز سالن کنفرانس و درهفته جهانی مبارزه با موادمخدر و در پاسخ به جام‌جم این جملات را می‌گوید. او قبل ازاین جملات گفته بود ایران سال ۹۸ رکورد زد و رقمی را در کشفیات موادمخدر ثبت کرد که نیروهای سازمان ملل ابتدا فکر کردند به «کیلو» است و وقتی شنیدند به «تن» است باور نکردند. منظورش کشف ۹۵۰ تن انواع موادمخدر در این سال، ثبت رکورد تاریخی در کشفیات و ثبت رتبه اول جهان در کشف تریاک، هروئین و مرفین است.

ایرانی‌ها بیشتر از همه تریاک مصرف می‌کنند، بعد حشیش، هروئین هم رتبه سوم است و چند سالی است جای شیشه را گرفته، شیشه حالا سقوط کرده به رتبه چهارم. مومنی می‌گوید اینها به ترتیب پرمصرف‌ترین موادمخدر سنتی و صنعتی در ایرانند که سه تای اول قیمت‌شان در فروردین ۹۹ نسبت به فروردین ۹۸ به طور میانگین ۵۰ درصد گران‌تر شده و شیشه ولی سقوط قیمت داشته، چه‌قدرش را البته نگفت.

معاون او دو روز پیش گفته بود مصرف شیشه در کشور، افزایش روزافزون دارد و خودش دیروز گفت شیشه ارزان شده، اما او در پاسخ به جام‌جم تایید نکرد که ارزان شدن شیشه از سال ۹۷ به این سو باعث افزایش مصرف شیشه شده بلکه فقط به این جمله بسنده کرد که افزایش مصرف شیشه در کشور رشد معنادار نداشته است.

۴ حوزه، بی‌شمار اشکال

مقابله، پیشگیری، درمان و توانمندسازی؛ سال‌هاست اینها چهار رکن مبارزه با موادمخدرند و اتفاقا سال‌هاست همه‌شان لنگ می‌زنند و مثل چرخ دنده‌های یک ماشین فرسوده، درهم چفت و بست نمی‌شوند. دبیرکل ستادمبارزه با موادمخدر نشسته است پشت تریبون و هر کدام از این حوزه‌ها را کوتاه و مختصر تحلیل می‌کند و می‌گوید در چهاردهه گذشته در حوزه مقابله با عرضه موادمخدر کارهای خوبی انجام شده و شاهدش آمار فزاینده کشفیات است، ولی درحوزه پیشگیری از مصرف غفلت‌شده و درمان اعتیاد نیز نیاز به بازنگری‌های اساسی درشیوه‌نامه‌ها دارد، در توانمندسازی بهبودیافته‌های اعتیاد هم گرچه ظرفیت‌های مردمی و گروه‌های مرجع مطلوب است ولی این ظرفیت بسیج و یکدست نشده و خلاصه این که این چهارحوزه با هم پیش نرفته‌اند تا نتیجه‌اش درمبارزه با موادمخدر مشهودباشد.

مومنی بار اولش نبود که اینها را می‌گفت، پارسال هم او همین‌ها را گفته بود و به قانون مبارزه با موادمخدر تاخته بود که به زعمش هرچه هست زیر سر اشکالات این قانون است. او می‌گوید اگر درکشورهای موفق درعرصه درمان اعتیاد ۸۰درصد معتادان درمان می‌شوند و دیگر دچار لغزش نمی‌شوند علتش این است که معتادان متجاهر پس از اولین دستگیری دوسال در کمپ‌های درمانی می‌مانند و اگر دوباره دستگیر شوند دوسال به سه سال افزایش می‌یابد که هیچ ربطی ندارد به ما که فرقی نمی‌گذاریم بین اولین و صدمین دستگیری و همه را یک تا سه ماه نگه‌می‌داریم بدون این که درمان واقعی رخ داده باشد. مومنی گفت کارهایی که ما می‌کنیم فقط هدردادن منابع است، هدررفتی که بجز با اصلاح قانون مبارزه با موادمخدرکه باید همه‌جانبه نگر باشد، متوقف نمی‌شود.

ایران روزی ۷۰ بار می‌لرزد

اسماعیل نجار، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور گفت : روزانه حدود ۶۰ تا ۷۰ زلزله در کشور رخ می‌دهد که البته بیشتر آنها قدرت کمی دارند. وی با بیان این که ایران کشوری حادثه‌خیز است و امکان وقوع زلزله‌های مهیب در کشورمان وجود دارد، افزود: به طور متوسط هر سال حدود ۱۷۵ زلزله ۴ ریشتری، یک زلزله ۶ تا ۶/۲ ریشتری و هر ۱۰ سال نیز یک زلزله حدود ۷ ریشتری در کشور رخ می‌دهد که نیاز به آمادگی دائمی را گوشزد می‌کند. /جام جم دیلی

راه اندازی خط تولید انسولین قلمی

درحالی که بیماران دیابتی ماه‌هاست با مشکل تهیه انسولین روبه‌رو هستند روز گذشته اولین خط تولید انسولین قلمی در کشور راه‌اندازی شد. محمدرضا شانه ساز، رئیس سازمان غذا و دارو گفته تولید انسولین حدود ۲۰ میلیون دلار صرفه جویی ارزی برای کشور به همراه دارد. به گفته وی، محصولاتی که بالاترین ارزبری را دارند محصولات و مشتقات پلاسما و فرآورده‌های بایوتکنولوژیک است که قلم تزریقی انسولین کلارژین نیز یکی از آنهاست. /فارس

سفره بیشتر بازنشستگان روزبه‌روز کوچک‌تر می‌شود

عکس: مجید آزاد جام‌جم

۳/۵ میلیون بازنشسته تامین اجتماعی، چشم‌انتظار پایان وعده‌های تکراری و دریافت مطالبات‌شان هستند

انتظار بازنشسته‌ها ۳ ماهه شد

میثم اسماعیلی

جامعه

گفت‌وگو با یک فرد ناشناس معمولا با گفتن از آب و هوا یا گلایه از گرمای این روزها آغاز می‌شود، هم‌کلامی با غریبه‌ها اگر در صف اتوبوس باشد اشاره‌ای به وضعیت ترافیک دارد، در صف مترو شکایت از شلوغی است و در انتظار نوبت بانک که باشیم معمولا حرف از اقساط است اما در همه این محل‌ها جایی از این گفت‌وگو بالاخره به گرانی می‌کشد. گرانی فصل مشترک تمام گفت‌وگوهای این روزهاست چه با غریبه و چه آشنا. وضعیت نابسامان اقتصادی و گرانی افسار گسیخته کالاهای اساسی در این روزها کمر هیچ کسی را هم خم نکند آسیب زیادی به ۳/۵ میلیون بازنشسته تامین اجتماعی در ایران می‌زند. قشری که حالا پس از سال‌ها خدمت نه انتظار احترام و تکریم بیشتری از سوی دولت که به دنبال مطالبه و احقاق حق طبیعی خود هستند. سه ماه از سال گذشته است و همچنان واریز مابه‌التفاوت حقوق امسال به امروز و فردا موکول می‌شود. بهار که به سختی گذشته است و حالا سازمان تامین اجتماعی می‌گوید این مابه‌التفاوت به صورت یکجا در هفته جاری پرداخت خواهد شد. هفته‌ای که احتمالا برای اهالی پاستور به ساعتی می‌گذرد و برای واقعی بودن میزان افزایش حقوق هر ساله با نرخ تورم می‌نالند و سفره‌شان سال به سال کوچک‌تر می‌شود.

۳/۵ میلیون بازنشسته ایرانی به سال می‌کشد. البته که این تنها خواسته بازنشستگان نیست و سال‌هاست از تبعیض‌های آشکار در این وادی گلایه دارند، از غیر واقعی بودن میزان افزایش حقوق هر ساله با نرخ تورم می‌نالند و سفره‌شان سال به سال کوچک‌تر می‌شود.

دستمزدها چقدر اضافه می‌شود؟

موضوع افزایش دستمزد موضوع ثابت پایان هر سال است. آن طور که مسؤولان سازمان تامین‌اجتماعی می‌گویند سالانه بعد از این‌که شورای عالی کار در مورد حداقل دستمزد و میزان افزایش سایر سطوح دستمزد تصمیم‌گیری می‌کند، موضوع افزایش مستمری تامین‌اجتماعی هم مطرح می‌شود. عموما پیشنهاد این افزایش نیز بر اساس شاخص‌های موثر در این افزایش، تدوین و به هیأت دولت برای تصویب ارجاع و پس از این مرحله، ابلاغ و اجرا می‌شود. این روند ثابت افزایش دستمزد بازنشستگان در هر سال است. با این اوصاف حالا بنفشه محمودیان، رئیس گروه محاسباتی بیمه‌ای سازمان تامین اجتماعی می‌گوید: «در سال جاری آخرین تصمیم درباره افزایش حداقل دستمزدها به میزان ۲۶ درصد است.» در حالی این افزایش دستمزدها برای سال جاری ۲۶درصد تعیین شده که معمولا اعلام این خبر با پیشوند «خبر خوب برای بازنشسته‌ها» دست به دست می‌شود. یعنی خبر خوب دولت برای افزایش دستمزد بازنشستگان «افزایش ۲۶درصدی» این دستمزدهاست! اما جالب این‌که برای رسیدن به این میزان هم خون دل‌ها خورده شده‌است. روایت علی اصغر بیات، رئیس کانون عالی کارگران بازنشسته و مستمری تامین‌اجتماعی در این مورد جالب توجه است. آن‌طور که او به جام جم می‌گوید ابتدا این میزان ۲۱ درصد بوده و مذاکرات فشرده‌ای برای تجدید نظر و افزایش این رقم انجام شده‌است. او می‌گوید: «افزایش ۲۱درصدی حقوق در فروردین ۹۸ آن هم بدون تأیید نمایندگان کارگران اعتراض گسترده تشکلات کارگری و بازنشستگان را به دنبال داشت. کانون عالی ضمن دعوت تشکلات به آرامش، مذاکرات و رایزنی‌های گسترده و طولانی خود را همراه با سایر تشکل‌ها آغاز کرد که در نهایت باعث تغییر پایه سنوات از ۲۱ به ۲۶ درصد در خرداد ماه شد.»

تورم ۴۱ درصد، افزایش حقوق ۲۶ درصد

تلخی ماجرا اینجاست که همه اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی حالا فقط تاخیر در پرداخت این ما به‌التفاوت بوده است. به این مفهوم که آنها از این گلایه دارند که در سه ماه نخست سال جدید حقوق سال گذشته را دریافت می‌کردند. اما چقدر این افزایش با واقعیت پیرامونی ما تناسب دارد؟ افزایش ۱۵۰ هزارتومانی حقوق به بازنشستگان تامین‌اجتماعی چه گرهی در اوضاع نابه‌سامان اقتصادی کنونی از زندگی آنها باز می‌کند؟ علی اصغر بیات، رئیس کانون عالی کارگران بازنشسته و مستمری‌بگیر تأمین اجتماعی می‌گوید: «اگر از همان ابتدا با افزایش ۲۱ درصدی حقوق موافقت می‌کردیم، دیگر امکان تجدیدنظر وجود نداشت و جمعیت ما خیلی متضرر می‌شد. ما تاکید داشتیم از آیتم‌های نقدی و غیرنقدی مانند حق مسکن و خواربار که سازمان تأمین اجتماعی از آنها حق بیمه کم می‌کند بر اساس ماده ۴۱ و ۱۱۱ باید به حقوق بازنشستگان اضافه و پرداخت شود. کانون عالی تمام توان خود را برای افزایش منطقی حقوق بازنشستگان به کار برد و به عقیده بنده اگر تورم واقعی و حتی رسمی اعلام شده بر مبنای ۴۱ درصد و سبد معیشت سال ۹۹ در نظر گرفته می‌شد، عدد افزایش چیز دیگری بود.»

همه کلیدواژه‌های تبعیض

گلایه از تاخیر در پرداخت حقوق در برابر ظلم و تبعیضی که به این قشر وارد می‌شود، هیچ است. در گوشه و کنار هم کم خبر به گوش این افراد نمی‌رسد که آتش به جانشان می‌زند. اصلا همین که بازنشستگان تامین اجتماعی بعد از گذشت سه ماه هنوز حقوق سال ۹۸ را دریافت می‌کنند اما از سوی مقابل دولت پول کلان مربی سابق تیم ملی فوتبال را از صندوق تامین‌اجتماعی پرداخت می‌کند یعنی ظلم آشکار به ۳/۵ بازنشسته تامین اجتماعی کشور. تبعیض هم که همواره بوده، کلیدواژه این تبعیض «همسان سازی حقوق بازنشستگان» است. موضوعی که مدت‌هاست مطرح شده و جز وعده، سرانجامی ندارد. این تبعیض‌ها زمانی بیشتر به چشم می‌آید که حتی وقتی حسن روحانی با افزایش ۱۵ تا ۷۷ درصدی حقوق بازنشستگان کشوری و لشکری موافقت کرد سازمان برنامه و بودجه بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی را از این موافقت نادیده گرفت. تحقق همسان‌سازی حقوق حالا ترجیع‌بند حرف‌های بازنشستگان است.

علی اصغر بیات، رئیس کانون عالی کارگران بازنشسته و مستمری بگیر تأمین اجتماعی، حالا لحنش را همراه با خواهش می‌کند و می‌گوید: «کاش قول‌های مسؤولان به‌ویژه موضوع همسان‌سازی محقق شود. از نمایندگان مجلس جدید شورای اسلامی توقع داریم به‌طور جدی به مطالبات و انتظارات بحق بازنشستگان ورود کنند و از همه ابزارهای قانونی خود برای این قشر زحمتکش که زندگی خود را وقف آبادانی کشور کرده‌اند، استفاده کنند.»

بیات: اگر تورم واقعی و حتی رسمی اعلام شده بر مبنای ۴۱ درصد و سبد معیشت سال ۹۹ در نظر گرفته می‌شد عدد افزایش دستمزدها باید بیش از ۱۵۰ هزار تومانی که اکنون در نظر گرفته شده می‌بود

دستمزدها کی پرداخت می‌شود؟

جامعه+

سه ماه از سال جدید گذشته‌است؛ سالی که سختی هر ساله تورم همنشین ویروس کرونا شد و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را راکد کرد. تا همین امروز اما از همان اندک افزایش سالانه دستمزدها برای بازنشستگان تامین اجتماعی هم خبری نیست. پیش از امروز هم وعده‌هایی داده و تاریخ‌هایی برای واریز این دستمزدها اعلام شده‌بود اما خبری از همان «خبر خوب» نبود. اما بنفشه محمودیان در برنامه تلویزونی حضور پیدا کرد و گفت: «ما به‌التفاوت افزایش حقوق خرداد ماه مستمری بگیران هفته جاری واریز می‌شود و مابه‌التفاوت افزایش حقوق فروردین و اردیبهشت امسال نیز با حقوق بازنشستگان پرداخت می‌شود.» رئیس گروه محاسباتی بیمه‌ای سازمان تامین اجتماعی همچنین خبر داد: «امسال کمک هزینه‌های جانبی بازنشستگان نیز افزایش می‌یابد.» البته که این مسؤول سازمان تامین اجتماعی ارقام نهایی افزایش کمک هزینه خواربار و مسکن افزایش مضاعف در سال جاری را مربوط به «جلسات هفته جاری با نمایندگان تشکل‌ها» کرده‌است.

با توجه به شیوع کرونا، بیشتر کاربران اینستاگرام جام‌جم تمایل ندارند فرزندشان را به مدرسه بفرستند

مدرسه یا خانه؛ مسأله این است

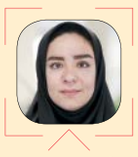

نرگس خانعلی‌زاده

جامعه

مدارس زوج و فرد می‌شود؛ این آخرین خبر از نحوه بازگشایی مدارس از ۱۵ شهریور است. حالا قرار است از نیمه شهریور، مدارس آغاز به کار کنند و فعالیت مدارس در مناطق کم جمعیت به روال عادی برگردد، اما در مناطق پرجمعیت، کلاس‌های درسی به شکل زوج و فرد برگزار شود؛ یعنی با حذف تعطیلی پنجشنبه‌ها، دانش‌آموزان دسته‌بندی شوند و تعدادی از آنها در روزهای زوج هفته و تعدادی دیگر در روزهای فرد در کلاس‌ها حاضر شوند؛ تدبیری که احتمالا می‌تواند چاره‌ای برای کلاس‌های پرجمعیت در این روزهای کرونایی و راهکاری در اجرای فاصله‌گذاری اجتماعی استاندارد بین دانش‌آموزان باشد؛ اما با همه این تدابیر و در حالی که وزیر آموزش و پرورش معتقد است باید به سمتی رفت که بتوان با رعایت حداکثری پروتکل‌ها روال عادی زندگی را ادامه داد، واکنش خانواده‌ها به این تدابیر و تصمیمات خیلی مثبت نیست. در گزارشی که دیروز در همین صفحه منتشر شد، درباره این تصمیم و این خبر، مفصل با کارشناسان و والدین صحبت کردیم. وقتی این گزارش در اینستاگرام جام‌جم و در قالب یک نظرسنجی منتشر شد، مخاطبان روزنامه واکنش قابل توجهی به آن نشان دادند؛ آن‌قدر که تا ساعت ۱۵ ظهر دیروز و زمان نوشتن این گزارش، بیش از ۴۰۰ نفر در این نظرسنجی شرکت کردند و نظرات متفاوتی درباره این تصمیم داشتند؛ نظراتی که تصمیم به نرفتن بچه‌ها در آن بیشتر از سایر پاسخ‌ها به چشم می‌آید.

نه به آغاز سال تحصیلی

«خیر»، بیشترین کلمه‌ای است که در برابر این پرسش و در بخش نظرات به چشم می‌خورد. در واقع این دسته از والدین، عمده گروه نظردهندگان و بیشتر از سه چهارم کل نظرها را تشکیل می‌دهند و با قاطعیت تمام، تصمیمشان درباره رفتن بچه‌ها به مدرسه، نه است و حاضر به فرستادن فرزندانشان به مدرسه در این شرایط نیستند. این دسته از والدین، به اتفاق معتقدند جان بچه‌هایشان از درس برایشان بسیار با ارزش‌تر است و اصلا برایشان اهمیتی ندارد فرزندشان یک سال از درس عقب بیفتد. برخی کاربران با جملاتی مثل« از جان بچه‌هایمان که سیر نشدیم، با هزار امید و آرزو بچه‌هایمان را بزرگ کردیم. حالا چرا باید به مدرسه بفرستیمشان که احتمال دارد بیماری بگیرند و شاهد ناخوشی‌هایشان باشیم؟» نسبت به این خبر واکنش نشان دادند. تعدادی از مادران و پدران هم معتقدند بچه‌های کوچک نمی‌توانند به تنهایی از خودشان مراقبت کنند و مدرسه رفتن ریسک بسیار بالایی دارد: «بچه‌ها کنار دستمان هستند نمی‌توانیم کنترلشان کنیم، به مدرسه بروند که دیگر هیچ‌کاری از دستمان برای محافظت از سلامت‌شان برنمی‌آید.» عده‌ای اما به نظر و تصمیم خودشان برای نفرستادن بچه‌ها به مدرسه بسنده نکرده و والدین دیگر را خطاب قرار داده و سعی کرده‌اند آنها را هم به واکنش منفی به این تصمیم ترغیب کنند. آنها نوشته‌اند: «خواهش می‌کنم بچه‌هایتان را به مدرسه نفرستید. در این مورد باید با همدیگر اتحاد داشته باشیم و سلامت خودمان را قربانی چیز دیگری نکنیم.»

به شرط اما و اگر

در این میان هستند تعداد معدودی از والدین که تعدادشان حتی به اندازه انگشتان یک دست هم نمی‌رسد، اما از ماندن بچه‌ها در خانه خسته و کلافه شده‌اند و احتمالا طاقتشان از این حجم از مسؤولیت درسی و غیردرسی که در این روزهای بحران کرونا بر عهده‌شان است خسته شده‌اند؛ آنها پاسخ‌شان برای این سوال که بچه‌ها را به مدرسه می‌فرستید یا خیر، یک بله قاطعانه است. اما تعدادی دیگر از والدین به اما و اگر متوسل شده‌اند و معتقدند اگر شرایط روزهای میانی شهریور که برای بازگشایی مدارس تعیین شده است، مثل همین روزها و آمار مبتلا در همین حد باشد، خیر؛ اما اگر اوضاع بهتر شده باشد، با رعایت پروتکل‌های بهداشتی اجازه رفتن بچه‌هایشان را به مدرسه می‌دهند. عده‌ای هم خوشبین و امیدوارترند؛ آنها امیدوارند ان‌شاءا... اوضاع تا آن روز عادی شود و بچه‌ها در سلامت و خوشحالی به مدرسه بروند و درس بخوانند و با دوست‌هایشان وقت بگذرانند. تعدادی از کاربران هم از همان روزهای اول کرونا معتقد بودند زندگی همچنان ادامه دارد و باید بتوانیم با آن کنار بیاییم و روال عادی زندگی را در پیش بگیریم. آنها نظرشان درباره رفتن بچه‌ها به مدرسه مثبت است: « آخر ممکن است کرونا تا ۱۰ سال دیگر هم ادامه داشته باشد. مگر می‌شود تا آن موقع بچه‌ها به مدرسه نروند؟ باید بتوانیم با آن زندگی کنیم.»

مثل شنبه

عده‌ای ولی از این تصمیم‌گیری‌ها عصبانی و کلافه هستند. بعضی‌ها از ۱۵ شهریوری که رئیس‌جمهور از آن حرف زده است، مانند همان شنبه‌ای که قرار بود همه‌چیز عادی باشد یاد کرده‌اند؛ شنبه‌ای که هیچ‌وقت نرسید و هیچ‌چیز نه‌تنها عادی نشد بلکه آشفته‌تر از قبل هم شد. از نظر آنها تاریخ مشخص کردن برای بازگشایی مدارس هم یک وعده ناممکن است و باید صبر کنیم و ببینیم چه اتفاقی قرار است بیفتد. در این میان هم بعضی‌ها گله‌مندتر از دیگران هستند: « اگر خود مسؤولانی که این تصمیم را گرفته‌اند، اجازه می‌دهند تا فرزندانشان به مدرسه بروند، ما هم همین کار را می‌کنیم.»

علم بهتر است یا سلامت؟

برخی والدین منطقی‌تر به موضوع نگاه و به شرایط متفاوت مدارس در مناطق متفاوت کشور اشاره کرده‌اند و وضعیت بد برخی مدارس را دلیلی برای نفرستادن فرزندانشان به مدرسه دانسته‌اند: « اگر فرزندم به مدارس شمال شهر که فضای کلاس‌ها بزرگ‌تر و تعداد دانش‌آموزان کمتر است می‌رفت، شاید اجازه رفتن به او می‌دادم، اما خیلی از مدرسه‌ها در بعضی مناطق شهر، بسیار کوچک هستند و در عین حال، تعداد دانش‌آموزان بسیار بالاست که خب طبیعتا در این صورت فاصله‌گذاری رعایت نمی‌شود» و برای همین ترجیح می‌دهند اجازه رفتن فرزندانشان را به چنین فضایی ندهند. عده‌ای خوش‌ذوق هم با تکیه بر سوال همیشگی علم بهتر است یا ثروت، سلامت را جایگزین ثروت کرده و نوشته‌اند: « الان دیگر باید از همه بپرسیم علم بهتر است یا سلامت؟ خب معلوم است صد در صد سلامت.» در میان نظرات متفاوت کاربران، بعضی‌ها هم، واقعگرایانه‌تر به ماجرا نگاه کرده‌اند و ابعاد دیگر ماجرا را هم می‌بینند؛ این‌که اگر مدرسه رفتن خطرناک است، پس مسافرت رفتن، مهمانی گرفتن، رستوران رفتن و ... هم خطرناک است و باید دورشان را خط قرمز بکشیم: «آنها که می‌گویند اجازه نمی‌دهند بچه‌هایمان به مدرسه بروند، مطمئن هستند که در این مدت تعطیلی، مسافرت و رستوران هم نمی‌روند؟ امیدوارم بحث تنبلی نباشد و واقعا به فکر سلامت خودمان و جامعه باشیم.» بعضی از مردم شوخ‌طبع همیشه در صحنه هم روال همیشگی خودشان را در برابر اتفاقات جدی در پیش گرفته و با یک شکلک خنده‌دار نوشته‌اند خیر به مدرسه نمی‌فرستم، البته حیف که بچه‌ای ندارم.

مادر یک دانش‌آموز نوشته بچه‌ها کنارمان هستند نمی‌توانیم کنترلشان کنیم به مدرسه بروند که دیگر هیچ‌کاری برای محافظت از سلامت‌شان از دستمان برنمی‌آید